



نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

اکتبر ۲۷۴

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۹ - ۲ نوامبر ۲۰۲۰

## کعبود نان و آرد و ترس مقامات رژیم

همایون گدازگر

صفحه ۳

## آتش زیر خاکستر!

ملکه عزتی

صفحه ۵

## یکسال از خیزش توده ای آبا نماه ۹۸ گذشت

اسماعیل ویسی

صفحه ۷

## پیام "پیمان نوین" رضا پهلوی یک شکست است

ابراهیم باتمانی

صفحه ۹

## تغییر دست ماست

سیوان کریمی

صفحه ۱۱

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

## در مورد آلودگی آب شرب شهر سنندج

صفحه ۱۴

مرکز خبری کمیته کردستان حزب

حکمتیست

پیروزی دستفروشان در سنندج

صفحه ۱۲

مرکز خبری کمیته کردستان حزب

حکمتیست

کعبود مواد مورد احتیاج و گرانی

صفحه ۱۳

افسار گسیخته

## اعلامیه حزب حکمتیست

### تلاشهای مذبوحانه

### شکست خوردگان!

### در باره وقایع اخیر

### هفت تپه

امروز شنبه دهم آبان کارگران هفت تپه در اعتراض به بازداشت نمایندگان و همکارانشان؛ ابراهیم عباسی منجزی، یوسف بهمنی، حمید ممبینی و مسعود حیوری و خواست آزادی فوری آنها در درون شرکت اجتماع و راهپیمائی کردند. عصر روز پنجشنبه ماشینهای پلیس به منازل این کارگران هجوم برد و با توهین و ایجاد رعب بازداشت شدند. این بازداشت بدنبال شکایت کارفرما و هماهنگی با نیروهای قضائی صورت گرفت. بهانه آن نیز یک درگیری لفظی با آمیلی نماینده کارفرما در صبح پنجشنبه در درون شرکت بود. آمیلی بدروغ ادعا کرده که کارگران او را کتک زدند و افراد وابسته به کارفرما نیز این گزارش جعلی را تأیید کردند. این پرونده سازی و شکایت کارفرما و مدیران از فعالین کارگری جدید نیست، کارگران هفت تپه در دادگاههای شوش و دزفول تعداد زیادی از این پرونده های جعلی دارند. این اقدام در ادامه یک مجموعه اقدامات شکست خوردگان در هفت تپه صورت گرفته است. مبارزات و اعتصابات کارگران به تحقق درجه ای از خواستههای آنان و خلع ید از کارفرمایان منتهی شد. حکومتی ها زیر فشار

صفحه ۲

## تلاشهای مذبوحانه شکست خوردگان!

### در باره وقایع اخیر هفت تپه

هفت تپه روبرو می شود. کارگران هفت تپه نشان دادند که پشت نمایندگان واقعی شان را خالی نمی کنند. بازگشت به کار همکاران اخراجی و مسدود شدن پرونده های قضائی یکی از خواسته های ثابت کارگران هفت تپه بوده است. کارگران هفت تپه اعلام کردند که فردا یکشنبه ساعت نه صبح مقابل دفتر مدیریت مجدداً اجتماع می کنند. ما همراه با کارگران این اقدامات سرکوبگرانه و بازداشت و پرونده سازی برای نمایندگان کارگران را قویا محکوم می کنیم. کارگر زندانی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد! زنده باد رزم و اتحاد کارگران هفت تپه!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ آبان ۱۳۹۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۲۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای

را همه جا بر پا کنید! در کارخانه ها

در محلات شوراها را بر پا کنید! امروز

شوراها ارکان مبارزه و قیام و فردا

ارکان حاکمیت!

اعتراضات متحد کارگران ناچار شدند عقب بنشینند و حکم خلع ید را صادر کنند و در عین حال این روند عقب نشینی را بنفع خودشان مدیریت کنند. داستان پرونده های فساد و رشوه و همکاری تنگاتنگ نهادهای متفرقه حکومتی با کارفرما، نقل مجلس کارگران هفت تپه است. بالائی ها هر رقابتی برسر تصاحب اموال عمومی داشته باشند در مقابل کارگران متحدند و دستجمعی تلاش دارند که در پروسه خلع ید و تغییر مالکیت شرکت، حداقل مکان کارگران هفت تپه را از دخالت دور نگاه دارند. متقابلاً کارگران به سیاست بالائی ها واقفند و خود را برای جشن پیروزی و اعمال نظارت بر امور آماده می کنند. در یکماه گذشته و بدنبال اعلام رای خلع ید، مجموعه اقداماتی برای اعمال فشار و تهاجم به فعالین کارگری توسط تیم کارفرما و مشخصاً همین آمیلی آغاز شد. این اقدامات با نپرداختن حقوق فعالین، رد نکردن اضافه کاری آنها و تلاش برای اخراج شروع شد. ایجاد درگیری توسط عوامل کارفرما و قمه کشی تا تیراندازی در درون شرکت به آن اضافه شد. دست بردن به تحریک قومی و ایجاد اختلاف و تفرقه و دشمنی میان کارگران یک سیاست دیگرشان بود. انتشار اسناد تقلبی برای تخریب چهره فعالین و نمایندگان کارگران اقدام دیگرشان بود. با دادن تصویر ناامن و ملتهب پای نیروی انتظامی را به درون شرکت باز کردند، رژه نیروی انتظامی در درون و حوالی شرکت محیط مجتمع را نظامی و پادگانی و امنیتی کرده است. با ایجاد این فضا آمیلی از تهران به شرکت می آید و با اعتراض کارگران مواجه میشود، سپس با هماهنگی مقامات مختلف و اسدبیگی و گزارش عوامل کارفرما، به فعالین هجوم می آورند و پرونده قضائی جدیدی را باز می کنند.

دیروز جمعه و امروز شنبه بخشی از کارگران مقابل اداره پلیس امنیت شوش اجتماع و پیگیر آزادی همکارانشان بودند. آزادی آنها بنا به روال باید توسط قاضی کشیک صورت میگرفت اما دیروز علیرغم اینکه کارگران تا آخر شب ماندند، قاضی کشیک آفتابی نشد و بازداشت کارگران ۲۴ ساعت دیگر تمدید شد. امروز نیز در پایان وقت اداری اعلام کردند که باید وثیقه بگذارند. خواست گذاشتن وثیقه با اعتراض کارگران زندانی روبرو میشود. جواب میدهند که دادستان باید اعتراض را بررسی و تصمیم گیری کند، لذا امشب نیز کارگران در بازداشت اند و آنها را به زندان دزفول منتقل کردند.

این تلاشهای مذبوحانه شکست خوردگان با پاسخ روشن کارگران باتجربه

## کمبود نان و آرد و ترس مقامات رژیم

### همایون کدازگر



رژیم در تامین مایحتاج اولیه و پایه مردم بر می داشت. نگاهی کوتاه به این توجیحات نزد هر انسانی، پوشالی بودن این حاکمان را که معنی حاکمیتشان فقط سرکوب و ایجاد جو اختناق است آشکار تر می کند.

می گویند کمبود منابع ارزی و افزایش قیمت گندم خرید آرد برای دولت را مشکل کرده است. این ریاکاری را در حالی بر زبان می آورند که هنوز بردرایی از ثروت وامکانات مادی همین مردم لم داده اند و هفته و روزی نیست که کاروان قاچاق دارو و یا کشف میلیاردی دزدی و فرار همقطارهایشان تیترو روزنامه ها و حتی موضوع نزاع داخلی خودشان نشود. از خرج و برپادادن پول و بودجه تخصیص داده شده برای تربیت تروریست و مروج ارتجاع کهنه پرستی در نهادهای ضد مردمی بگذریم، اما با یک قلم از همین دزدی های میلیاردی می توان گندم و بقیه مایحتاج جامعه را فراهم کرد.

ادعا می کنند فساد و سود جویی و سوداگری دلیل دیگر کمبود آرد و در نتیجه نان است. چرا رژیم یقه سوداگران و سود جریان را نمی گیرد که موجب نگرانی و ناامنی زندگی دهها میلیون خانواده و به گروگان گرفتن نانشان می شوند؟ جواب معلوم است. چون سوداگران و سود جویان از خودشان هستند. طی ۴۰

دوش مردم زحمتکش انداخته است. این سیاست ضد مردمی می تواند دامن نان سفره مردم را هم بگیرد و رژیم از این طریق هم به یکی از اصلی ترین مواد خوراکی عموم مردم چنگ بیندازد. اوضاع سیاسی جامعه و تعادل قوای حاضر دست رژیم را بسته است و گرنه تاکنون حتی نان این پر مصرف ترین و پایه ای ترین خوراک میلیونها خانواده فقیر و کم درآمد در این گرانی بی سابقه جان سالم بدر نمی برد. در همین چند ماه قبل بود که یکی از مقامات رژیم از احتمال گران شدن آرد و نان خبر داده بود.

سیاست رژیم همانطور که بمناسبتهای مختلف هم دیده شده است، ابتدا خبری را بصورت شایعه برای سنجش عکس العمل جامعه به آن پخش می کند و بعد در مورد آن تصمیم می گیرد. جمهوری اسلامی بعد از آبان ۹۸ نمی تواند در هر موردی بی گذار به آب بزند و با آتش بازی کند. بخصوص که جایگاه نان و قیمت آن در زندگی مردم بسی از اهمیت بنزین فراتر و حیاتی تر است و آتش خشم آن می تواند توده های وسیعتر را به میدان بیاورد. این روزها و یکسال پس از خیزش آبان سال گذشته، اظهارات مقامات ریز و درشت رژیم اسلامی نشان از ترس و وحشت آنها از آن فوران خشم علیه رژیمشان است که آن را نمی توانند پنهان کنند. بنابراین ممکن است خود پخش شایعه گرانی نان شگرد مقامات رژیم برای امتحان کردن و عکس العمل جامعه به گرانی نان بوده باشد.

اما در این تلنگری کوچک که هفته های گذشته در مورد کمبود نان و آرد در بعضی از شهرها به جمهوری اسلامی وارد شد، توجیحات مسئولین دولتی موجب عصبانیت بیشتر شد. زیرا خود این توجیحات بیشتر پرده از بی توجهی و بی لیاقتی

در هفته های گذشته کمبود آرد و نان و پخش خبر احتمال گران شدن نان، از یک طرف موجب نگرانی مردم شد و از طرف دیگر باعث ترس مقامات ریز و درشت رژیم شد، از برپایی آبانی دیگر این بار در اعتراض به گرانی نان. زیرا اهمیت و وسعت احتیاج و استفاده از این اصلی ترین ماده خوراکی سر سفره مردم زحمتکش با بنزین سوزنده آبان ۹۸ قابل مقایسه نیست و جرقه ای برای به مضاف طلبیدن کل رژیم اسلامی توسط مردم متنفر از این هیولای ضد زندگی کافی بود تا دوباره آبان تاریخ بسازد و فاصله رژیم ضد انسانی و بلای امنیت و آزادی و معیشت را تا دره سقوط کوتاهتر کند.

اظهارات پی در پی مسئولین و مقامات رژیم در تکذیب شایعه گرانی نان که خیلی از فرمانداران و نهادهای مسئول آرد چند روز به آن مشغول بودند نشانه همین دستپاچگی و ترس از شعله ور شدن آتش خشم مردم بود. هر جا صف طولیل نانوائی ها و زمزمه اعتراض مردم دیده می شد، برای خنثی کردن آن مقامات شهر محل درنگ نمی کردند و از رئیس جمهور تا هر مسئول دولتی ریز و درشتی قول و نمونه می آوردند که گران شدن نان در راه نیست. اما با این حال، افلاس اقتصادی و فساد و دزدی و شکاف در بالای جمهوری اسلامی و بهم ریختگی آن او را ناچار از حمله مداوم به معیشت و سفره مردم جامعه کرده است. و این داستان ۴۰ سال زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است که صف عظیم بیکاران و تحمیل زندگی مشقت بار بر ملیونها انسان نتیجه آن است. گرانی بی وقفه و روزانه و خانمان سوز کنونی نمونه آن است.

این رژیم جنایتکار سالهاست بار شکست اقتصادی و تامین دستگاه عریض و طولیل دزدی و فساد را بر

## کمبود نان و آرد و ترس مقامات رژیم

### همایون گدازگر

است. در همین مدت کوتاه و پدیدار شدن کمبود نان بخش‌هایی از مردم ناچار بودند برای تهیه نان خانواده اشان از ساعت‌های بامداد هر روز در صف نان نانویها بلرزند. کار بجایی رسید که کسانی در دیوار دنیای مجازیشان در اینترنت مشغول فروش نان به قیمت هر قرص به ۱۰۰۰۰ تومان بودند.

اما این توهین و تحقیر در حق یک جامعه هشتاد و چند میلیونی به تنها یی تناقض حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی با مردم نیست. وجود جمهوری اسلامی علت تمام مشقات و بدبختی های جامعه است که گرانی نان بنزین و مرغ و سیب زمینی و غیره معلول حاکمیتی ضد مردمی و چهل ساله ای است که تناقضات ریشه ای تری با مردم جامعه ایران دارد. تمام گوشه وزوایای زندگی بزرگ و کوچک و پیر و جوان با موجودیت جمهوری اسلامی در تناقض است. صرف ماندن این رژیم کهنه پرست بعنوان یک وصله ناجور بر دامان جامعه ایران در همه شئون زندگی مانع هر درجه از پیشروی جامعه در جهت تامین یک زندگی انسانی است. بهمین جهت امروز دیگر سرنگونی جمهوری اسلامی از طرف دهها میلیون انسان رنج‌دیده بعنوان شاه کلید و قدم اول وارد شدن بهر تغییر و تحولی در سرنوشت نسل حاضر و آینده تشخیص داده شده است و طبقه کارگر و مردم زحمتکش را برای یکسره کردن کار آن به میدان آورده است. امید به سرنگونی جمهوری اسلامی تکیه بر این حرکت مادی در جامعه دارد که اکنون دیگر انعکاس آن را حتی در چهره و سخن حاکمان جنایتکار هم می توان دید.

همایون گدازگر

۱۱ آبان ۱۳۹۹

سال گذشته چه کسی فساد و سودجویی و سوداگری ای را بیاد دارد که یک سر آن به خود رژیم و مقامات و مسئولین آن وصل نبوده باشد؟ می گویند بالارفتن هزینه نانویها از قبیل آب و برق و گاز و بیمه و خمیر مایه و غیره دلیل دیگر کمبود نان و بستن نانویهای است که پخت نان برایشان مقرون به صرفه نیست و در واقع بر شکست می شوند! اینجا هم این دولت است که مسئول ودر واقع متهم اصلی است و باید جواب بدهد که چرا هزینه نانویها را پایین نمی آورد و موجب کمیابی نان و نگرانی مردم می شود؟ بهانه احتکار و بازار سیاه آرد و ۴ برابر شدن قیمت آن در بازار همچنان دال بر بی مسئولیتی دولت و مسئولین است. دولت باید به اندازه کافی آرد به قیمت دولتی در اختیار تمام نانویها بگذارد. از این طریق می شود از احتکار و بازار سیاه ممانعت کرد. نانویهایی که سهمیه آردشان کفاف پخت لازم برای جوابگویی به مشتریان را نکند، معلوم است در نیمه همراه مجبور به تعطیلی نانوانی خود و افزودن به نگرانی مردم می شوند.

از طرف دیگر همین بی مسئولیتی دولت در قبال تهیه آرد کافی با قیمت مناسب، بخصوص در اوضاع گرانی بی سابقه کنونی، طبیعی است که کشاورزان را در کشت گندم دچار تردید کند و حتی در صورت کشت از فروش آن به دولت خودداری کنند. در شرایطی که قیمت همه مایحتاج زندگی بسرعت در حال افزایش است، تولید کنندگان گندم هم حق دارند به فکر تامین درآمد و زندگی خود باشند. مشکل دیگر کشاورزان و دامداران گران شدن خوراک و مایحتاج دامی و گرانی علوفه و جو و غیره است، که دامداران را ناچار کرده است در مقابل این گرانی دام‌های خود را با نان تغذیه کنند. جمهوری اسلامی مسئول تمامی سختی ها و مشقات و ناامنی در زندگی مردم

## یکسال از خیزش توده ای آبا نماه ۹۸ گذشت

### اسماعیل ویسی

اسلامی تحت رهبری حزب سیاسی کمونیستی- اجتماعی است. هچنین طرد و افشای جریانات ملون قومی- مذهبی بورژوازی و آلترناتیوسازی راست و اصلاح طلبان در سراسری ایران می باشد. باید اطمینان داشت که، حکومت اسلامی خود بخود و صرفا با اعتراضات خیابانی ذوب نخواهد شد، لازم است طبقه کارگر متشکل، آگاه و هدفمند با سازماندهی و در همبستگی اجتماعی تحت رهبری و سیاستهای حزب کمونیستی کارگری آنها همراه با مدافعینش توسط سیل بنیاد برکن توده های سازمان یافته هدفمند ذوب و بشیوه انقلابی سرنگون کند! در نتیجه، واضح است، عدم سازمان یافتگی سراسری طبقه کارگر چون ستون فقرات اعتراضات توده ای برای تحولات اجتماعی و عدم رهبری حزب سیاسی کمونیستی- اجتماعی برای هدایت این خیزش توده ای و تداوم آن، خلاء جدی بود و میباید. باید برای پر کردن این خلاء تلاش نمود.

اسماعیل ویسی ۸ آبان ۱۳۹۹ - ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰

## آتش زیر خاکستر!

ملکه عزتی



که از هر فرصتی برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت تامین حداقل های زندگی اکثریت جامعه استفاده میکند. اوباش حکومتی روزی مردم را به کاخ سفید و حکام امریکا ارجاع میدهند، روزی برای حل مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی از مردم میخواهد دعا کنند تا شاید این مشکلات رفع شود و روزی ادعا میکنند شرایط اقتصادی کشور بمراتب از آلمان بهتر است و مردم با کمبود قابل توجهی روبرو نیستند!! وقاحت این خیل جانی و دزد حد و حسابی ندارد.

در مقابل این حجم از فقر و فلاکت در نگاه اول شاید این سوال مطرح شود چرا اتفاقی نمیافتد چرا بنظر میرسد جامعه دچار سکوت و سکون است؟ تغییر و تحول انقلابی تکان دهنده ایی مشاهده نمیشود؟ سوال هرکسی که درد مردم را دارد این است آیا سران جنایتکار رژیم و دستگاه سرکوب آن میتوانند بر روی به استیصال کشاندن جامعه حساب باز کنند و با این خیال خام به عمر ننگین خود بیفزایند؟ این سوالی است که مردم زحمتکش و معترض و پیشروان و فعالین کارگری میتوانند برای آن جوابی داشته باشند. از نظر ما کمونیستها جامعه ای که خالق آبان و دی در یک - دو سال گذشته بوده به استیصال کشیده نخواهد شد، این آتش زیر خاکستر زبانه میکشد و کاخ ستم و بیداد جمهوری اسلامی و برپادارندگان دار اعدام و شکنجه و زندان را به کام خود خواهد کشید. سران فاسد و جانی جمهوری اسلامی اگر فکر میکنند آتش آبان ۹۸ خاموش شده و با کشتار معترضین در خیابان و اعدام دستگیر شدگان آن اعتراضات از خشم معترضین در امان خواهند بود کور خوانده اند. واقعیت این است جامعه روند

دیگری را موازی با فقر و فلاکت

و استثمار طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه با در اختیار داشتن امکانات نامحدود رفاهی و اقتصادی چهره کریه سرمایه داری را به بهترین وجه به نمایش گذاشته. اقلیتی دزد و اختلاسگر که با استفاده از سیستم فاسد حاکم کانهای انباشت ثروت و سود را در اختیار دارند و به قیمت فقر مطلق اکثریتی عظیم در رفاه و آسایش زندگی میکنند. در کنار این وضعیت فلاکتبار اقتصادی و نابرابری تقسیم ثروت و رفاهیات، کرونا هم قربانیانش را از میان این اکثریت محروم انتخاب میکند. انتخابی که رابطه مستقیم مابین فقر و محرومیت و عدم دسترسی به امکانات درمانی و بهداشتی را نشان میدهد. مردم کارگر و زحمتکشی که در هر موقعیتی با کمترین امکانات اولیه بهداشت و پیشگیری مجبور به کار برای تامین معاش خود و خانواده است، مسلم است که در مقابل ویروس کرونا جانشان را از دست میدهند. اگر شانس بیآورند و بتوانند در بیمارستانی بستری شوند در بهترین حالت اگر مرگ را شکست دهند بدلیل ناتوانی در پرداخت هزینه بیمارستان گروگان گرفته میشوند و پایان ماجرا هم معلوم!! در حالی که معیشت و سلامت شهروندان در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد، ضروری ترین کالاهای مورد نیاز مردم یا اختکار میشود یا بطور قاچاق از مرزهایی که جانپان سپاه پاسداران حفاظت آنها را بعهدہ دارد خارج میشود بدون اینکه آب از آب تکان بخورد.

گفتن و نوشتن از این فجایع و این شرایط اسف بار کار سختی نیست، هر شهروند جامعه صدها نمونه از موارد بالا را برای بازگویی دارد و میتواند به این موارد دهها مورد دیگر را اضافه کند. وحشت از بیکاری، گرسنگی و نپرداختن اجاره خانه و مبتلا شدن به بلای کرونا و مرگ های ناگهانی و در خفا و خاموشی کابوس هر روزه اکثریت مردمی است که همزمان با معیشت چند برابر زیر خط فقر دست و پنجه نرم میکنند. در طول تاریخ کمتر حکومتی دردش، درد مردم محروم و تحت ستم بوده، اما سرکوب و بیحقوقی که در جمهوری اسلامی اعمال میشود در طول تاریخ معاصر بیسابقه بوده. در حاشیه این تصویر دردناک و مصائب بیشمار، شهروندان با رژیمی روبرو هستند

یک مشاهده اجمالی در این روزهای پر تنش نشان از هر چیزی دارد جز آرامش و سکون در جامعه. فقر و فلاکت و بیکاری و عدم برخورداری از بهداشت و درمان، مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا و بقیه بلاهای ریز و درشت عرصه را بر اکثریت مردم کارگر و زحمتکش جامعه تنگ کرده است. کودکان ۱۲ و ۱۳ ساله بدلیل فقر و عدم توانایی در تامین امکانات تدریس اینترنتی دست به خودکشی میزنند، کارگر بیکار خودکشی را بعنوان راه نجات از فقر و ناتوانی در تامین معیشت خود و خانواده در مقابل خود میبیند و تقریباً روزانه در اخبار رویدادهای اجتماعی شاهد اخبار این قبیل از خودکشی ها تکانهنده هستیم.

در این شرایط فاجعه بار اقتصادی کولبری بعنوان شغل جهت تامین معیشت به نوعی به رسمیت شناخته شده و موازی با آن روزانه شاهد کشتن کولبران توسط نیروهای سرکوبگر سپاه و ارتش هستیم. زنان اگر خودسوزی نکنند و کشته نشوند و تقاص ستم مضاعف جنسیتی را با سلب زندگی از خود نگیرند، به بهانه های گوناگون یا به قتل میرسند یا به خیابان رانده میشوند و تحت ستم جنسی مضاعف جهت تامین معیشت خود و خانواده قرار میگیرند. بنا به تعریف رشد و نمو در یک فضای سالم و آرام حق هر کودکی است، کودکان کار باید شرم هر جامعه ای باشند، اما در جامعه ای که دیکتاتوری سرمایه و مذهب دست به دست هم داده اند این پدیده هم به مانند هر پدیده ناهنجار دیگری در سایه مناسبات نابرابر و بشدت غیر انسانی سرمایه داری به یک مشاهده روزمره تبدیل شده.

در عرصه اقتصادی تغییرات ساعت به ساعت قیمتها، کمبود ضروریترین مایحتاج مردم از جمله آرد و نان، داروهای حیاتی همچون آسولین و بسیاری اقلام دیگر هم جزئی از این مشاهده اجمالی است. گور خوابی و پشت بام خوابی هم که گویا دیگر به بایگانی فجایع سپرده شده! این لیست بسیار کوتاه و خلاصه شده ایی از وضعیت روزمره اکثریت مردم محروم و ستمکش جامعه است که امروزش را با هراس و اضطراب فردا شروع میکند. روی دیگر این مشاهده اقلیت معدودی است که با دست اندازی بر ثروت جامعه

# آتش زیر خاکستر!

ملکه عزتی

مقابل تغییرات از بالا و تعویض مهره های بد و بدتر، مقابله با طرحهای رنگارنگ نیروهای راست امثال سلطنت طلبها که تا دیروز عامل سرکوب مردم بودند یا همکاری و اعلام حمایت نیروهای ناسیونالیست کرد از این طرحها و امضا گذاشتن پای عهد نامه و پیمان های نوین و قدیم نه نانی در سفره کارگران میگذارد نه مرهمی بر زخمهای عمیقی که جمهوری اسلامی بر پیکر جامعه وارد کرده. گذار از جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای مبتنی بر آزادی و برابری تنها از طریق سرنگونی انقلابی این جرثومه جنایت و فساد ممکن و میسر است. سد بستن در مقابل فروپاشی جامعه و جلوگیری از شورشهای کور و غیر هدفمند برگشت به آبان و به مصاف طلبیدن حکومت در همه عرصه ها، پس زدن اختناق و سرکوب وحشیانه واعلام خواسته ها و مطالبات معیشتی و درمانی در این مقطع مشخص، خواست آزادی همه زندانیان سیاسی و فعالین کارگری در آسانی دیگر است. ایجاد و فراهم کردن مقدمات قیامی از جنس آبان و دی که رعشه بر اندام سران جانی رژیم بیندازد و قدرت عمل را از همه ارگانهای سرکوبگر سلب نماید از مهمترین اقدامات پیش رو است.. آتش زیر خاکستر را باید شعله ور کرد، راه دیگری نیست.

ملکه عزتی ۳۱ اکتبر

و بهبود وضعیت یک پدیده واقعی و غیر قابل انکار است.

در این ناسامانی عمیق و غیر قابل کنترل، سران سرکوبگر اسلامی این روزها امید نجات از این بحران عمیق را به انتخابات امریکا و تحركات تروریست های دست پرورده خودشان در کشورهای منطقه گره زده اند. فکر میکنند انتخاب بایدن یا ایجاد ناآرامی در منطقه توسط اوباش حشد شعبی یا نیروهای مشابه آن راه برون رفت از باتلاق اقتصادی و سیاسی است که در آن دست و پا میزنند. سد بستن در مقابل بهم خوردن اوضاع چنان برایشان مهم است که میخواهند حتی محلات شهرها را نیز تحت کنترل درآورند. با ایجاد ۵۰ هزار پایگاه بسیج و مستقر کردن لومپن ترین اقشار اجتماعی در این پایگاهها تحت نام کنترل و ثبت افراد مبتلا به کرونا هر نوع تحرک اعتراضی را سرکوب کرده و در هم بشکنند. دولت رفع تحریم خرید و فروش تسلیحاتی را با اهن و تلبه به رخ جناح مقابل کشید و مدعی شد مردم پیروز شده اند و دولت دستاورد مهم دیگری در کارنامه اش ثبت شده است! نمایندگان مجلس هم روی طرح اعدام روحانی کار کردند! خامنه ای هم به هر دو طرف تشر زده و اعلام نارضایتی کرد. در این بلبشوی سیاسی راه نجات مردم کارگر و زحمتکش چیزی جز اتحاد و همسرنوشتی عمیق سیاسی و اجتماعی نیست. در مقابل هر ترفند رژیم برای ایجاد تفرقه و پراکندگی در صفوف مردم، درهم تنیدگی مبارزات و اعتراضات اجتماعی از مهمترین حلقه های پیروزی در سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. به عقب راندن و خنثی کردن دسیسه های رژیم در به استیصال کشاندن جامعه با اتحاد و همبستگی عمیق بین مردم کارگر و زحمتکش میسر است. سد بستن در

طی میکند. روند اعتراضات کارگران، بازنشستگان، معلمین و دیگر اقشار اجتماعی در بیشتر شهرها نشان از تحركات اعتراضی دارد که حاضر به پذیرش وضع موجود نیست. از طرفی دیگر بازداشتهای فله ایی فعالین کارگری و اجتماعی، قتل بازداشتی ها در خیابان و زندان، حمله به کارگران و تجمعات اعتراضی اقشار محروم جامعه تنها نمونه های محدودی از وحشت رژیم از همه گیر شدن اعتراضات و تجمعات عظیم خیابانی است.

مردم محروم و زحمتکشی که چیزی برای از دست دادن ندارند میدان را خالی نخواهند کرد. تلاش بالایی ها برای سرکوب و ادامه وضع موجود ناچارا تعرض پابینی ها برای تغییر در این وضعیت نابسامان را بدنبال دارد. اگر ارباب و سرکوب ۴۰ ساله توان به سکوت کشاندن اکثریت عظیم جامعه را داشت امروز شاهد هیچ اعتراضی نبودیم. برون رفتهای موقتی و متوسل شدن به تغییر این و آن مهره یا عربده کشیدن در صحن مجلس از طرف مشتکی دزد و اختلاسگر تنها تلاشهای از سر استیصال رژیم است. روزانه مهره های ریز و درشت خودشان اذان میکنند وضعیت بسیار حساس و خطرناک است.

امروز شعله های آتش آبان با اعتراضات کارگری درشهرهای کوچک و بزرگ زبانه میکشد. امروز حتی خود سران جانیکار رژیم هم میدانند این وضعیت آبستن تحركات اعتراضی جدیتر میباشد و تمام تلاش های سرکوبگرانه دولت و حاکمیت در جهت سد بستن در مقابل این طوفان اجتماعی است.

باتلاق اقتصادی که رژیم در آن دست و پا میزند عمیقتر از آن است که این سرکوبها بتواند مانع جدی در مقابل فروپاشی سیاسی و اقتصادی رژیم باشد. سرکوب و کشتار و تهدید و زندان در نهایت شاید باعث تاخیر شود اما انتهای این وضعیت یک انفجار غیر قابل کنترل است. اگر قبول کنیم که وضعیت کنونی قابل دوام نیست، آنوقت تلاش عوامل مزدورحکومتی برای بقای خویش و اعتراضات اقشار پایین واعماق جامعه برای تغییر

**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر**

**سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل می**

**شود!**

**منصور حکمت**

**زنده باد سوسیالیسم!**

# یکسال از خیزش توده ای آبانماه ۹۸ گذشت

## اسماعیل ویسی



شیخ آبانماه گذشته و ترس و وحشت از بروز اجتماعی این سیل بنیان بر کن خیزش توده ای، که هر آن ممکن است و آبانماه دیگری رخ بدهد، میباشد. زیرا میدانند اوضاع معیشتی و زیستی و اجتماعی مردم بسیار بدتر شده است. حتی جناح ها و تمامی نهادهای زرد کارگری وابسته به خودشان، اعتراف کرده اند، که دستمزد تحمیل شده کنونی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار - ۷۰۰ هزار کارگران و تلاش برای دریافت آن در سراسر ایران، شاخص بسیار گویایست. گسترش هر آن هم گرانتر شدن مایحتاج اولیه و فقر و فلاکت غیر قابل کنترل، هر آن ممکن است خیزش توده ای - اجتماعی به میدان بیاید. زیرا حکومت زیر بنا و سیستم اقتصادی در هر حال فروپاشی است. توان بر آورده کردن هیچگونه بهبود معیشتی را ندارد. راه حلی در پیش پایش و جامعه بجز سرنگون شدنش، وجود ندارد. بر این امر آگاهند!

چنین وضعیتی "جنبشهای چپ و راست را برای، کنترل و هدایت سیاسی خیزش در جریان و بدست آوردن هژمونی سایسی - اجتماعی، با ارائه آلترناتیو طبقاتی - اجتماعی شان در فردای سرنگونی حکومت اسلامی" به میدان راند و به تکاپو انداخت و هم اکنون نیز همچنان در جریان و در تقابل هم قرار دارند. این مصاف و کشمکش جدی طبقاتی و اجتماعی است!

**آبانماه دیگری در ایران ممکن است!**

آنچه روشن است و غیر قابل انکار در جریان بودن اعتراضات کارگری - اجتماعی علیه جمهوری اسلامی بر اساس زمینه های

بود و دارد. کل نظام اسلامی سرمایه داران و بویژه "علی خامنه ای، در راس آن" گذشته از رجز خوانی هایش کاملن ترسیده بود. برای تقابل و بسیج ارادل و اوباش اسلامی، بمیدان آمد و در روز چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۹۸ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹ در دیدار با فرماندهان بسیج و برخی اعضای بسیج - تاکید کرد "که اعتراضات اخیر که در پی افزایش سه برابری قیمت بنزین رخ داد - عمیق، وسیع، بسیار گسترده و خطرناک بوده و" چنانکه بتوانند در یک بزنگاهی اجتماعی این حرکت را انجام دهند - لکن به شکلی جزئی شکست خورده است. در ادامه به نقش نیروهای امنیتی و انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران در سرکوب اعتراضات اشاره کرد، و ... بسیج را بعنوان بزرگترین شبکه فرهنگی، اجتماعی و نظامی در دنیا اسم برد و گفت که تهدیدهای زیادی داریم که با ابتکار بسیج باید به فرصت تبدیل بشود. در ادامه خطاب به بسیجیها گفت که در همه محلهها حضور داشته باشند و در همه محلههای کشور در مقابل حوادث گوناگون راهبرد و تاکتیک آماده داشته باشند. و ... به نیروهای بسیج توصیه کرد که ارتباطاتشان را با مسجدها تقویت کنند و اسیر پابندهای رایج اداری نشوند. "در تمامی امورات محله دخالت و کنترل کنند و ... همزمان روحانی هم در تبریز تاکید کرد که، فکر می کردند کار نظام تمام است" در ۲ هفته گذشته نیز، محمد جواد باهنر، که یکی از مهره های اصلی و اساسی حکومت اسلامی است، بیان داشته بود - اگر بموقع نمی جنبیدیم ممکن بود اعتراضات آبانماه به "انقلاب - سرنگونی" منجر شود. و ... با جرئت میتوان تاکید کرد که - اعدام های اخیر از فعالین دستگیر شده در سیاهچالهایشان، چون نوید افکاری و تحمیل زندان به فعالیت دستگیر شده در بهبهان بعنوان نمونه های تیییک و احضار فعالین کارگری - اجتماعی و تحمیل زندانهای طولانی مدت. بر - سازماندهی گروههای ضربت اوباش اسلامی در محلات - برای بسیج و سازماندهی ارادل و اوباش اسلامی در محلات چون ضربه پیشگیرانه برای کنترل محلات، در زیر در گشت و گذار بودن

یکسال از خیزش توده ای آبانماه ۱۳۹۸ گذشت. خیزشی که بر اساس زمینه ای عمیقاً اجتماعی علیه شرایط تحمیلی نهایت سرکوبگری و زیر پا نهادن شدن هر گونه حق و حقوق اساسی انسانی - اجتماعی و رشد روز افزون، گرانی مایحتاج اولیه زندگی، بیکاری، فقر، فلاکت و بیزیر "خط فقر" رانده شدن ۷۰ درصد، یارانه بگیر کردن ۶۰ میلیون نفر در ایران و بنوعی عملاً گرسنگی تحمیل شدن به یمن موجودیت حکومت اسلامی بر اکثریت مردم زحمتکش در سراسر ایران بود. خیزشی که بطور ریشه ای، در تداوم ناگسستگی با اعتراضات دیماه ۹۶ بود. که با بروز علنی شان، نقاط عطفی تاریخی - طبقاتی و اجتماعی، علیه کل موجودیت جمهوری اسلامی بودند. خیزشی توده ای، که عیلرغم محلی بودن، پراکندگی و عدم سازمانیافتگی و بویژه عدم سازمانیافتگی طبقه کارگر در شکل های توده ای خود در محیط کار و زیست چون ستون فقرات اساسی هرگونه تحول مثبتی، و فاقد بودن هژمونی سیاسی - اجتماعی رهبری حزب سیاسی - اجتماعی در ابعاد سراسری اما، خیزشی عموماً طبقاتی بود. پیام عملی و نتیجه بسیار روشن و قاطع آن، علیه شرایط موجود تحمیلی و در دستور قرار گرفتن سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران بود و میباشد! پایه های اساسی این رژیم هار و فوق ارتجاعی را به لرزه در آورد. پیام عملی و ملموس آن را، سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین رنگا و رنگ حفظ و بقاء آن و همچنین کل جنبش راست و سنت پرو غربی نیز، گرفتند. برایشان ملموستر از گذشته گردید که اکثریت مردم ایران بدون اما و اگر، خواهان سرنگون شدنشان هستند. عیلرغم کشتار بیشتر از ۱۵۰۰ نفر و عملاً، خون پاشیدن و زخمی کردن حدوداً ۷ هزار نفر توسط فاشستهای اسلامی به آن، دستگیری و زندانی کردن هزاران هزار نفر از مبارزین آزادیخواه، برای بشکست کشانیدن و خلاص شدن از شر آن، همچنان در جریان است. حکومت اسلامی را جدا از هر ادعائی که کرد و میکند، در موضع "تدافعی" قرار داده

## یکسال از خیزش توده ای آبانماه ۹۸ گذشت

### اسماعیل ویسی

عینی و واقعی و عدم ناتوانی حکومت اسلامی در جوابگویی به مطالبات کارگری و توده های مردم است. که جامعه را دچار بحران لاینحل و آستان تحول و تلاطم سیاسی - اجتماعی بنیادی کرده است. رژیمی که موجودیتش از ابتدا تاکنون و از این ببعد هم، وصله ناجوری بر پیکر جامعه ایران بوده و می باشد، عملاً در بن بست کامل، اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. این رژیم برای ادامه بقا و حیات ارتجاعی و استثمارگرانه اش، بر رشد و گسترش روزافزون اختناق سیاسی و سرکوبگری و بر عدم برسمیت شناختن هرگونه حق و حقوق ابتدائی آحاد مردم متکی بوده است و میباشد. دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، فعالین سیاسی - اجتماعی، دخالت در زندگی خصوصی مردم بویژه زنان و جوانان، اخراج، بیکار سازی، بسته شدن و تعدیل نیرو در مراکز اصلی صنعتی تولیدی - خدماتی، نا امنی شغلی، نبودن بیمه بیکاری و دیگر بیمه های اجتماعی و درمانی، سیر صعودی فقر و فلاکت و تعرض گسترده و افسار گسیخته به سطح زندگی و معیشت اکثریت شهروندان، رشد و گسترش پدیده های شوم کودکان کار و خیابانی، کارتون خوابی، فحشا و اعتیاد و رشد آن تا سطوح مدارس راهنمایی، پدیده نوزاد فروشی از دیگر مصائب اجتماعی در ابعاد چندین میلیونی، نا امیدی جوانان از آینده خود، مشخصه و حاصل حاکمیت سیاه بیشتر از ۴ دهه این رژیم است. چنین وضعیتی شرایط ناهنجاری به وجود آورده است. این شرایط اگرچه مبنای اعتراضات وسیع اجتماعی است، در عین حال موانع زیادی را هم ایجاد کرده و پیچیدگی خاصی را در سیر و روند جنبش سرنگونی، قرار داده است.

در نتیجه، تمامی مؤلفه های سیاسی - اجتماعی در ایران، دلالت بر - بروز علنی پیدا کردن، خیزش توده ای - اجتماعی، وسیع تر و عمیق تر از آبانماه ۹۸ دارد. که کل حکومت اسلامی به این امر واقف میباشند. به همین خاطر است بر - سازماندهی گروه های ضربت اوباش اسلامی در محلات - و دیگر تفرندهای سرکوبگرانه برای جلوگیری از

سر و سامان پیدا کردن اعتراضات توده ای در محلات که اهمیت ویژه ای دارند، به چنین حربه ای متوسل شده است.

در چنین شرایطی اگر طبقه کارگر و رهبران و فعالین کارگری متشکل در شبکه محافل کارگری رهبران و در تشکلهای کارگری - توده ای سازمانیافته در این مبارزات چون **ستون فقرات آن تحت رهبری و هدایت حزب سیاسی کمونیستی کارگری**، شرکت نکنند، تصویر روشنی از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، نداشته باشند و ارائه نکنند، نگرانی از اینکه تحولات با زد و بند از بالا توسط اپوزیسیون راست پرو غربی و همراه شدن جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد که علناً به جست و خیز افتاده اند، تلاشهایی که بشیوه و ارائه طرحهای متفاوت، به جریان انداخته است. تا بتوانند با تحمیل آلترناتیو بورژوایی کنترل شود، وجود دارد. از موانع های اساسی است و طرح و برنامه سازمانیافته اجتماعی را میطلبد.

### تاکید برچند نکته تجارب و عملی :

- برای کنترل و مهار و هدایت سیاسی - اجتماعی جنبش سرنگونی در جریان و بشیوه انقلابی متحقق کردن، حفظ و تامین منافع اکثریت مردم در ایران و خنثی کردن طرحهای جنبش راست. لازم است قطب کمونیستی و چپ جدا از متشکل شدن، بلکه رهبران عملی کارگری و اجتماعی، مشکلات تا کنونی را مورد نقد و بررسی قرار بدهند. تجارب عملی را با شناخت از نقاط ضعف تا کنونی، بکار ببندند تا موانعهای سر راه بر داشته شود و به نتایج مثبت درتوازن قوای طبقاتی - اجتماعی بکار بگیرند.

- خیزش توده ای آبانماه ۹۸ و اعتراضات کارگری و تداوم آن که در جریان است، پیام روشن و قاطع آن عدم تحمل شرایط فلاکتبار معیشتی و اجتماعی و سرنگونی بی اما و اگر جمهوری اسلامی است، لازم است از ضد رژیمی گری و ضد استبدادی صرف پرهیز کرد، تجارب و درس لازم گرفته شود و خود را به این جنبه محدود نکند. زیرا شرایط بسیار پیچیده است.

- طبقه کارگر و طیف کارگران رادیکال

سوسیالیست و کمونیست، محافل رهبران عملی کارگری باید ایجاد تشکل های توده ای کارگری در محیط کار و زیست را براساس ایجاد شبکه وسیعی از محافل رهبران عملی کارگری در دستور بگذارند تا بتوان عملاً جنبش کارگری را در سر بزنگاه در ابعاد سراسری به تحرک در آورد و با حضورفعال خود افق وسیعتری بر جنبش سرنگونی ناظر کنند. همزمان در مبارزه قاطع برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی بطور هدفمند برای مادیت بخشیدن به چشم انداز برابری اقتصادی، سیاسی و رفاه اجتماعی در واقع زندگی ای بهتر که تامین کننده توقعات انسانی زندگی انسان امروزی باشد، بکوشند. طرح خود را پیش پای نهند!

در جامعه کردستان نیز وضعیت از هر لحاظ اشاره شده است، شاید هم بدتر، مشابه ایران است. در این راستا لازم است " محافل رهبران عملی کارگری - فعالین و کارگران کمونیست، رادیکال سوسیالیست و رهبران عملی کارگری و توده ای " برای سازماندهی و کنترل محلات زیست و ایجاد سازمانهای توده ای علنی در مراکز کار در ابعاد سراسری با همیگر تماس بگیرند محافل موجود را بهمیدگر بیافند و شبکه وسیعی از محافل رهبران عملی کارگری را بوجود بیاورند و پایه های اساسی تشکیل تشکل توده ای سراسری کارگران و بهم بافته شدن شبکه محافل در سراسر کردستان که ممکن است راه، در دستور روز قرار بدهند. این امری بسیار ضروری است باید تلاش عملی نمود. در این روند و پروسه سرنگونی، سیاستها و برنامه و طرحهای " جنبش ناسیونالیستی کرد - قومی - مذهبی " را با برنامه ریز دقیق هدفمند و آمادگی از هم اکنون، در همبستگی اجتماعی خنثی نمود. و توازن قوا را به نفع اکثریت مردم زحمتکش در ایران و کردستان تغییر داد. این ضرورت تاریخی

را باید مادیت بخشید؛ زیرا راه چاره اساسی برای خلاص شدن از این وضعیت تحمیل شده به اکثریت توده مردم زحمتکش در جامعه ایران، سرنگونی انقلابی جمهوری



## پیام "پیمان نوین" رضا پهلوی یک شکست است

ابراهیم باتمانی



دارای چنین نوشته ای بود ( خدا، شاه، میهن ) . در آن زمان محمد رضا پهلوی فرمانده کل قوای نیروهای مسلح ایران بود. قوای سه گانه شامل قوه مقننه ، قوه مجریه و قوه قضایه در اختیار شخص شاه بود، دقیقا مانند جمهوری اسلامی که شعار حزب فقط حزب الله و رهبر فقط روح اله می دادند .

در حکومت محمد رضا پهلوی در مورد امور کشور از کسی نظر خواهی نمیشد و تمامی ثروت ایران در انحصار خانواده محمد رضا پهلوی بود. آنها خود را صاحب هزاران کاخ، باغها، زمین و جنگلهای تمامی نقاط ایران می دانستند و برای حرف کسی ارزش قائل نبودند و اگر کسی هم جرئت اظهار نظر داشت ، سرنوشت و زندگیش به ناکجا آباد کشیده میشد.

اکثر جنگلهای ایران به نام غلام رضا پهلوی برادر شاه ثبت شده بود. اکثر شرکتهای به نام فرح پهلوی و یا خانواده و یا اطرافیانشان ثبت شده بود.

با این توضیحاتی که در مورد جنایات خاندان رضا پهلوی داده شد، وظیفه مردم ایران در مقابل آن همه جنایات و بی عدالتی شاه چه میبایستی باشد؟ مردم ایران در آن شرایط خفقان و ناعدالتی دو راه بیشتر نداشتند، یا بایستی بردگی مطلق زیر قوانین حکومت شاه سایه

برای تامین زندگیشان در گوشه و کنار خیابانها گدایی و خود فروشی میکردند، به وفور دیده میشد. کودکان بی سرپرستی که کارهای طاقت فرسا انجام میدادند، بسیار بودند. رشوه خواری و پارتی بازی در ادارات دولتی غوغا میکرد. استخدام افراد برای شغلهاى مختلف بدون پارتی بازی امکان نداشت .

از همه آشکارتر اگر روزی انسانهای عادی و بدون پارتی آن جامعه مشکلاتشان توسط ژاندرمری و یا ادارات دولتی حل و فصل میشد، حتما باید رشوه میدادند، تا کارشان درست می شد ،اما برای کسانی که وضعیت مالی خوبی داشتند و یا دار و دسته شاه بودند و پول و پارتی داشتند، مشکلشان بدون دردسر، با احترام از طرف دولت و با پذیرایی چای و شیرینی مانند آب خوردن درست میشد. در زمان شاه کارگرانی که بارحمل میکردند، تحقیر شده و به نام حمال از آنها یاد می شد، مردمانی که خانه نداشتند در حلبی آبادها زندگی میکردند و خانه هایشان از حلبی بود. مسلما کسانی که سلطنت طلب هستند، اینها را بخوبی بیاد دارند.

در زمان حکومت محمد رضا پهلوی یک روزنامه نویس مستقل ویک صدای مخالف علنی که علیه حکومت قلم بزند، وجود نداشت و اگر کسی هم بود به علت ترس از ساواک که مستقیما زیر نظر شخص شاه بود ( درست مانند رژیم جمهوری اسلامی که اطلاعات و سپاه پاسداران مخوف زیر نظر خامنه ای است)، فعالیتش را زیر زمینی انجام می داد. در زمان شاه خبری از تشکل های منتخب کارگران و انتخابات آزاد پارلمانی نبود. در قسمت پایین عکسهای شاه نوشته شده بود ( شاه سایه خداست ) درست مانند جمهوری اسلامی که خمینی را روح خدا میدانند. شعار دیگر که در کتابهای درسی در سطوح مختلف تدریس میشد،

وقتی از رضا پهلوی میپرسند که: آیا حکومت محمد رضاشاه (پدرت) یک حکومت دیکتاتوری بود؟ او جواب نداده و طفره می رود. به یاد دارم که یک بار گوینده رادیو بی بی سی به رضا پهلوی گفت: ما مدارکی در دست داریم که نشان میدهد پدرت محمد رضا شاه دیکتاتور بوده است. او در جواب گفت: من آن دوران را بخوبی بیاد نمی آورم، در حالی که در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ رضا پهلوی هجده سال داشت و خودش میداند که آگاهانه دروغ میگوید. مردم ایران تاریخ دوران حاکمیت دیکتاتوری محمد رضا پهلوی را فراموش نکرده اند و بخوبی میدانند که محمد رضا پهلوی چرا سازمان پلیس مخفی خشن و خونخوار ساواک را سازمان داده بود.

در زمان شاه وقتی ساواک مخالفین حکومت را دستگیر میکرد برای اعتراف گرفتن، آنها را به صندلی الکتریکی و داغ می بست و به زور مانند رژیم خونخوار جمهوری اسلامی از آنها اقرار میگرفت. مسلما رضا پهلوی اینها را بخوبی به یاد دارد اما زیر بار نمیرود و به فکر حکومت خیالی خود در آینده است، زیرا او چهل سال قبل سوگند شاهنشاهی را خوانده است.

من و میلیونها نفر از مردم ایران شاهد زنده، زمان حاکمیت محمد رضا شاه پهلوی هستیم و در ضمن شاهد ظلم و ستمی که در حق اکثریت مردم به خصوص کارگران، محرومان و مخالفان حکومت میشد، بودیم. در زمان زمامداری شاه بیسوادى در ایران بیداد میکرد در حالی که فرزندان شاه و اطرافیانش در خارج کشور با هزینه و دست رنج مردم آن جامعه مشغول درس خواندن بودند.

تبعیض و اختلاف طبقاتی در جامعه آن زمان بسیار زیاد بود. بیکاری، خانواده های بی سرپرست که

# پیام "پیمان نوین" رضا پهلوی یک شکست است

## ابراهیم باتمانی

امروز و کارگران آگاه و پیشرو، کمونیستهای متشکل و نهاد های اجتماعی و انسانهای آزادیخواه و شرافتمند امروز توقع و خواسته هایشان خیلی بالاتر از آن است که عالیجنابان در سر می پروراند .

امروز طبقه کارگر و آحاد مردم از حاکمیت شوراهای منتخب خود سخن میگویند و این طرح بر روی میز تک تک کارگران و آزادیخواهان قرار گرفته است. آنها نمیخواهند بار دیگر کلاه سرشان برود. آنها میخواهند در حکومت آینده خودشان قدرت و تقسیم ثروت را به دست بگیرند.

دوران آقا بالا سهرایی به نام شاه، ولی فقیه و حکومت اسلامی، حکومت پارلمانی و نیروهای سرکوبگر حرفه ای و ناسیونالیستهای رنگارنگ به پایان رسیده است. توقع و خواست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسل جوان امروزی یک دنیای بهتر و یک زندگی آزاد و مدرن فارغ از هر نوع تبعیض طبقاتی می باشد.

مسلم شاعر مردم در اعتراضات دی ماه نود و شش و آبانماه نود و هشت را به یاد دارید که شعار می دادند (چه شاه باشد چه رهبر، مرگ برستمگر). رضا پهلوی و دارو دسته اش جواب خود را گرفته اند. از نظر من پیام ( پیمان نوین) رضا پهلوی شکست خورده، زیرا نتوانست و نمیتواند احزاب راست و هوادارانش را منسجم و دل خوش کند.

بهترین آلترناتیو آینده در ایران، سوسیالیزم و حکومت شورایی منتخب خود مردم است، نه چیز دیگری و امروز کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان، زنان اسلام زده و انسانهای شرافتمند باید خود را مسئول جامعه و انقلاب آینده ایران بدانند. مردم نباید دیگر فریب سیستم نظام سر مایه داری را بخورند. این سیستم از هر دورانی منزوی تر و بی آبروتر شده است و هیچ ربطی به زندگی کارگران و محرومان جامعه ندارد. دست به دست هم دهیم و یک زندگی بهتر برای همه انسانهای آن جامعه بسازیم.

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

ابراهیم باتمانی 25.10.2020

**تشکیل شوراها در محل کار و محلات ابزار اعمال**

**حاکمیت و اراده جمعی کارگران در محیط کار، و مردم**

**در محلات امری مهم و ضروری در تحولات سیاسی**

**پیش رو در ایران است .**

**زنده باد تشکیل شوراها**

خدا را تا ابد قبول میکردند و یا بایستی انقلاب میکردند. مردم به تنگ آمده و ستمدیده ایران در سال ۱۳۵۷، انقلاب و سرنگونی شاه دیکتاتور و برقراری حکومت دمکراتیک و یک زندگی بهتر را انتخاب کردند. در آن دوران مردم ستمدیده، آزادیخواه و چپ آن دوران به خیابانها سرازیر شدند و در مقابل نیروهای ارتش سرکوبگر تا دندان مسلح ایستادند. مردم بسیاری به فرمان شاه به وسیله ارتش و ساواک کشته شدند اما نقش و اعتصاب کارگران شرکت نفت، دولت دیکتاتور شاه را به زانو در آورد، فرهنگیان، دانشجویان، احزاب سیاسی مخفی، زنان، اقشار ناراضی و بازاریان همه و همه به انقلاب پیوسته و دوران حکومت شاه ستمگر به پایان رسید.

با این توضیحات سلطنت طلبان نمیتوانند خود را به بی اطلاعی بزنند و یا از زیر جنایات سازمان یافته حکومت محمد رضا پهلوی شانه خالی کنند. سوال من از سلطنت طلبان اینست که: آیا وقایع به همین صورتی که عنوان شد، نبوده است؟ آیا مردم ایران در آن دوران میتوانند در مقابل ساواک خاموش بایستند و از آزادی و حق شهروندی خود دفاع نکنند؟

در اینجا خطاب من به نسلی است که بعد از انقلاب بر حق ۱۳۵۷ به دنیا آمده اند، شما نباید فریب تبلیغات و پروپاگاند رادیو بی بی سی، امریکا، کانال تلویزیونی من و تو و بقیه روزنامه نگاران جیره خوار و نان به نرخ روزخور را بخورید. بازماندگان رژیم سابق و احزاب ناسیونالیست و کسانی مانند گنجی و فرخ نگهدار که از جمهوری اسلامی رانده شده اند، امروز با طرحی به نام (پیمان نوین) به سرکردگی رضا پهلوی وارد معاملات سیاسی شده اند، جالب اینجاست اینها با آن پرونده سیاه که زیر بغل دارند هنوز خود را حق به جانب می دانند!

آیا شما میدانید که استدلال بازماندگان رژیم سابق و امتحان پس داده چیست؟ همانطوری که میدانید حاکمیت نظام سرمایه داری اسلامی با استفاده از ابزار سرکوب و با بهره گیری از دین و قوانین و افکار قرون وسطایی جنایتهای بسیاری کرده و از نظام سلطنتی گوی سبقت را ربوده است، بنابراین بازماندگان رژیم سابق با پر رویی اظهار میدارند که زمان شاه، همه چیز گل و بلبل بوده است.

اما در دنیای واقعی و از منظر منفعت و زندگی کارگران و تهیدستان، محرومان و انسانهای آگاه و شرافتمند فرق اساسی مابین این دو حکومت امتحان پس داده وجود ندارد.

رضا پهلوی و طرفدارانش با پر رویی خود را تنها آلترناتیو بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی معرفی میکنند، غافل از اینکه نسل جوان تحصیل کرده

**نه به حکومت ضد زن!**

## تغییر دست ماست

سیوان کریمی



نیروی بزرگ و تشکیلات بزرگ می خواهد. در دوران قیام ۵۷ اگر تنها رژیم اسلامی را در برابر خود می دیدند، امروز ما علاوه بر این رژیم، نیروهای دست راستی و مرتجعین را می بینیم. نیروهایی که فداکاریها و جان فشانیهای انسانهای چپ و کمونیست آن جامعه و مبارزات قهرمانانه آنها را به حراج گذاشته اند. تنها مانده که از مبارزه با رژیم اسلام ابراز پشیمانی کنند. البته تلویحا و با تقدیر از "سیاستهای" احمد مفتی زاده فعال و در خفا آنها هم به انجام رسانده اند. باید خود را متشکل کنیم. باید تاریخ را تکرار کنیم دوباره پوزه ارتجاع را به زمین بمالیم. این کار شدنی است. ما می توانیم و نیروی انجام آنها داریم. قبل از هر کاری باید در مقابل رژیم اسلامی و نیروهای مرتجع و ناسیونالیست ایستاد و خود را متشکل کرد. زیرا این جریانات پیوسته حمایت‌هایی از نیروهای ارتجاعی و ناسیونالیستهای ایرانی را پشت سر خود دارند.

پشت رضا پهلوی قرار گرفتن به معنای مقابله با مردم است. به معنای ایستادن در مقابل خواست میلیونها انسان در جامعه ایران و هزاران کمونیست به طریق اولی در جامعه کردستان است. باید جامعه را در مقابل این سیاستها بیمه کرد. این کار شدنی و توسط تک تک ما انجام می شود. باید این سیاستها را در جامعه جار زد، افشا کرد و

صفحه ۱۲

اگر خلوت کنیم و خودمان را قاضی کنیم، با اغراق و ارفاق هم نمی توانیم این شرایط را "زندگی" بنامیم. با خودمان رو راست باشیم. نه امنیت جانی، نه امکان اقتصادی. اما نهایتا ما هستیم که تعیین می کنیم این وضعیت ادامه داشته باشد، یا اینکه در مقابل این شرایط بیاستیم و علیه آن متشکل شویم. اگر برای نسل من، در قیام ۵۷ نبودیم و تنها از طریق گفته ها و شنیده ها با آن روبرو شدیم، اما خیزش دی و آبان کار ما بود. خیزشهایی که علیه وضع موجود بود و در مقابل رژیم اسلامی قامت خود را راست کرد. همین خیزشهای مردمی بود که "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" را به شعار جامعه تبدیل کرد. ترجمه عملی این شعار نه گفتن به رژیم اسلام است. پایان دوران توهمی بود که به جناحهای رژیم اسلامی مرتبط بود. این خیزشها هم آغاز بود و هم پایان. آغاز مبارزه ای متشکل تر و گسترده تر علیه رژیم اسلامی و تلاش برای رسیدن به دنیایی بهتر و پایانی بود بر جمهوری اسلام و جناحهای آن. اما هنوز تا سرنگونی نهایی جمهوری اسلامی باید این مبارزات ادامه پیدا کند. در سالروز خیزش آبانما باید کماکان بر این مساله تاکید کرد که تا سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی خیزش آبان ادامه دارد.

### سخنی با جوانان در کردستان

کردستان همیشه محل تلاقی جنبشهای چپ و راست بوده و خواهد بود. پس از مصادره قیام ۵۷ توسط رژیم اسلامی، کردستان آخرین سنگری بود که امید مبارزه علیه رژیم اسلامی را در خود داشت و نهایتا آخرین مناطقی بود که زیر پرچم سیاه رژیم اسلامی قرار گرفت. امروز کار ما در کردستان سخت تر از گذشته شده است. این به معنای غیر ممکن بودن نیست. کارهای بزرگ،

قیام ۵۷ علیه وضعیتی بود که ما امروز و در جامعه ایران شاهد عروج آن و صد برابر بیشتر هستیم. نخواستن آن وضعیت باعث قیام و اعتراض و شورشی شد که نهایتا توسط رژیمی اسلامی مصادره شد.

بیشترین معترضین و شرکت کنندگان قیام ۵۷ جوانانی بودند که مخالف وضع موجود بودند، مخالف زندانی شکنجه و اعدام بودند، مخالف نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بودند. امروز که وضعیت به مرات اسفناک تر است، چرا ما نیستیم؟ چرا نیروی جوان آن جامعه به این شرایط تن داده است؟ آیا تکرار آن قیام و با بکارگیری تجربه آن و چهل سال مبارزه علیه رژیم اسلامی، نمی تواند راهگشا باشد؟

خبرهای ایران را اگر دنبال کنیم، هر روز و هر لحظه اخباری از مرگ، و کشتار و دستگیری، از افزایش فقر و گرسنگی، از بیکاری میلیونی و فسادهای میلیاردی می بینیم و می شنویم. شیرازه جامعه از هم پاشیده است. حالا تامین نان خشک و خالی برای یک سفره هم غنیمت شده است. صحبت از یک بیابان برهوت نیست. سخن از جغرافیایی می شود که یک دهم ثروت آن برای تامین رفاه همه مردم کافی است. اما جمهوری چهل و جنایت اسلامی، همین نان خشک را هم به این سفره روا نمی بیند. جان انسان بی ارزش شده است. مهرداد سپهری را جلوی چشم مردم دستگیر کردند، برده وار شکنجه دادند و نهایتا او را کشتند. رئیس، سردسته این جانین در واکنش به این قتل عمد و آشکار می گوید که نباید این "اتفاق" به تضعیف نیروی انتظامی بیانجامد. این یعنی نیروهای سرکوب گر باید تا می توانند بگیرند و ببرند و بکشند.

اما آیا باید پذیرفت؟ آیا امکان تغییر وجود ندارد؟

**نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

# تغییر دست ماست

## سیون کریمی

نیروهای چپ و کمونیست را برای مقابله با آن دور خود جمع کرد. رسانه و پول و نیروهای ارتجاعی در یک سو و اراده و همت ما در مقابل این ارتجاع در سوی دیگر قرار دارد.

### به حزب حکمتیست پیوندید

حزب حکمتیست پرچمدار مقابله و مبارزه، افشا و برهم زدن چنین سیاستهایی است. چهره های خوشنام کمونیست جامعه کردستان بخشی در این حزب متشکل هستند و مبارزه خود را تا سرنگونی جمهوری اسلامی به پیش می برند. در این راه به نیروی تک تک شما انسانهای آزادیخواه و کمونیست نیاز است. باید متشکل شد. اگر بخواهیم از ریختن خون جوانان و کشتار انسانهای آزادیخواه در جامعه کردستان جلوگیری کنیم، نیاز است که خود را متشکل کنیم. حزب حکمتیست این ظرفیت را دارد تا با وجود تک تک شما انسانها، میدان تاخت و تاز را بر این سیاستها و احزاب و نیروهای آن تنگ کند و از میدان به در کند. همین امروز باید متشکل شد. به حزب حکمتیست، برای رسیدن به آزادی و برابری و رفاه، برای به دست گرفتن قدرت توسط مردم، برای تعیین سرنوشتمان به دست خودمان، پیوندید.

سیون کریمی

اکتبر ۲۰۲۰

## مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

### پیروزی دستفروشان در سنندج

یکسال پیش شهرداری سنندج اعلام کرد که در خیابان فردوسی از تردد وسایل نقلیه جلوگیری به عمل می آید و به پیاده رو و تنها به محل تردد مردم تبدیل خواهد شد. در پی این تصمیم چند روزی است خیابان فردوسی بسته شده است و در این مدت دستفروشان در این محل به کسب و کار مشغول بوده اند. امروز خبر رسید که ماموران شهرداری به کمک نیروهای یگان ویژه قصد جمع کردن بساط دستفروشان را داشته اند که با مقاومت آنان روبرو شده اند. بعد از چندین ساعت کشمکش با ماموران شهرداری و یگان ویژه، دستفروشان موفق می شوند که آنها را به عقب بنشانند و کسب و کار خود را از سر بگیرند. ما این پیروزی را به دستفروشان تبریک می گوئیم و بر این باوریم، که پیروزی در هر اعتراض و مبارزه ای برای تحقق حقوق و مطالبات و آرزوهای بر حق و انسانی خود تنها در گرو مقاومت، اتحاد و همبستگی و اعتراض دسته جمعی ممکن و میسر است. مقاومت و اعتراض امروز دستفروشان این امر مهم را به خوبی نشان داد.

زنده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران و زحمتکشان

مرگ بر جمهوری اسلامی

شنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۹

۱۷ اکتبر ۲۰۲۰

زنده باد آزادی، برابری و رفاه

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

## کمبود مواد مورد احتیاج و گرانی افسار گسیخته

بنا بر گزارشات رسیده از شهر سنندج، کمبود مواد مورد احتیاج و گرانی افسار گسیخته، این روزها باعث نگرانی و ترس و وحشت در میان مردم این شهر شده است. بطور مثال روزهای گذشته قیمت یک کیلو مرغ ۱۹۵۰۰ تومان بود، امروز پنجشنبه ۲۴ مهر به ۲۵۰۰۰ تومان رسید.

همچنین قیمت یک کیلو گوچه فرنگی دیروز ۲۰۰۰ تومان امروز به ۸۰۰۰ تومان رسید.

امروز پنجشنبه ۲۴ مهر اکثر نانوايي های سنندج بسته و یا کم کار و پخت کم داشتند. کمبود آرد و احتکار آن مایه نگرانی مردم شهر شده است.

گرچه مدارس دولتی بعلت وجود کرونا تعطیل هستند، اما مدارس غیر انتفاعی که بابت تحصیل هر دانش آموز ۴ میلیون تومان می گیرند با وجود تهدید کرونا همچنان باز هستند و تبلیغاتشان را برای پذیرش بیشتر دانش آموزان وسعت داده اند. اما بسیاری از اولیا دانش آموزان با توجه به وضعیت وخیم مالی پرونده فرزندان شان را از این مدارس تحویل گرفته اند. از طرفی دیگر اکثر خانواده ها توان تهیه امکاناتی نظیر کامپیوتر و تلفن موبایل را برای دانش آموزان ندارند تا با استفاده از اینترنت درس هایشان را ادامه دهند.

شرایط تهدید آمیز گرانی و گسترش فقر در جامعه بصورت کابوسی در آمده است. رژیم جمهوری اسلامی در عمل کنترلی بر این اوضاع مخاطره آمیز ندارد و اولویت اول و آخر آن نگهداشتن سلطه جنایتکارانه خود است.

در این شرایط در حالیکه هر روزه پرده از روی یکی از دزدی های چند صد میلیارد تومانی مسئولین برداشته می شود. و در حالیکه روحانی جنایتکار خوشحال از پایان محاصره تسلیحاتی غرب بفرق خرید ابزار سرکوب مردم است، مردم مبارز می باید برای توقف گرانی افسار گسیخته و کمبود مایحتاج اولیه یقه مسئولین جمهوری اسلامی را بگیرند. این جنایتکاران که بر روی دریای از پول وامکانات لم داده اند مسئول جوابگویی به خواسته های برحق مردم بجان آمده هستند.

۲۴ مهر ۱۳۹۹

۱۵ اکتبر ۲۰۲۰

## بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

# اعدام قتل عمد دولتی است!

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

## در مورد آلودگی آب شرب شهر سنندج

## تامین آب آشامیدنی سالم از وظایف اولیه دولت است!

برخورداری از آب سالم ابتدایی ترین حق مردم است اما مردم شهر سنندج مدت‌های مدید است از آب آشامیدنی سالم و قابل نوشیدن برخوردار نیستند. منبع تصفیه آب شهر که حدود ۵۰ سال از تعبیه آن میگذرد بدلیل استهلاک و فرسودگی سالهاست فونکسیون تصفیه با کیفیت را دارا نیست. تعداد زیادی از مردم شهر بدلیل مصرف آب آلوده دچار بیماری و مشکلات جدی شده‌اند. اعتراض و شکایت مردم به مراجع مسئول رسیدگی به این مشکل نه تنها جوابی نگرفته بلکه با تهدید و بی‌اعتنایی این مقامات روبرو شده‌اند.

ادامه این وضعیت ممکن نیست. بو و طعم بسیار بد آب همراه با باکتری‌هایی که موجب بیماری میشوند نوشیدن آن را غیر ممکن ساخته است. مردم اجباراً آب آشامیدنی مورد نیازشان را از چشمه‌های اطراف شهر، حسین آباد و سنگ شه کین در صف‌های طولانی و صرف وقت بسیار زیاد یا خرید آب از فروشگاهها با هزینه بالا تامین میکنند. مسولیت مستقیم هر مشکل و بیماری ناشی از این آلودگی بعهده مقامات اداری شهر و خصوصاً شهرداری و سازمان مدیریت شهری آب میباشد. مردم شهر بطور مستقیم و خودجوش کمپینی جهت اعتراض به این وضعیت سازمان داده‌اند و خواهان رسیدگی به این مشکل هستند.

پیوستن و دفاع از این کمپین قدرت اجرایی در وادار کردن مسولین جهت رسیدگی به این مشکل را بالا میبرد. تامین آب سالم وظیفه شهرداری و اداراتی است که روسایش نه تنها مجبور به نوشیدن آب الوده نیستند، بلکه آب آشامیدنی سالم و معدنی بطور مداوم در اختیار دارند.

همراه با هم مقامات مسول را وادار کنیم که این معضل قدیمی را برای همیشه حل کنند. حذف یک رقم دزدی و اختلاس و اختصاص بودجه به ایجاد یک تصفیه خانه جدید مشکل آلودگی آب را برای همیشه حل خواهد کرد.

پیگیری این مسئله را تا حل این مشکل را ادامه دهیم و با اتحاد و همبستگی مقامات مسول را وادار به پذیرش مسولیت کنیم. آب سالم و زندگی بدون مرارت و سختی فقط مختص به مقامات جانی و اختلاسگر حاکم نیست. برخورداری از سلامت و بهداشت جز ابتدایی ترین حقوق شهروندی است. امکانات اولیه زندگی باید شامل مردم کارگر و زحمتکش و تمام شهروندان باشد. اجازه ندهیم برخورداری از آب آشامیدنی سالم امتیازی طبقاتی برای مسولین و وابستگان حکومتی و طبقات دارا تبدیل شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از تلاش و پیگیری مردم مبارز شهر سنندج در برخورداری از حق استفاده از آب آشامیدنی سالم حمایت میکند و از همه شهروندان میخواهد به این کمپین پیوسته و مسولین را وادار به اقدام جدی و فوری در این رابطه نمایند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

اعدام قتل عمد دولتی است!



زنده باد کارد آزادی  
به کارد آزادی پیوندید

آدرس تماس با رهبری کارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231

Partou TV

تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب مکتبیت

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:sale.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo\_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر ماه  
یک بار منتشر می شود!

همایون گدازگر

سردبیر نشریه

Email:homayon\_1954@yahoo.de

زنده باد تشکیل شوراها!